

بعد ساکت شدید و می‌خواهید نفس بگیرید، حال ما چقدر باید صبر کنیم تا شما نفس بگیرید؟ چرا این قدر معطل می‌کنید؟ پشت سرش را بلافاصله بخوانید. در حرف زدن معمولی همچنانی که من الان دارم با شما حرف می‌زنم یک جا مقتضی است پشت سر هم حرف می‌زنم، یک جا هم یک تأملی می‌کنم این برای جلب نفوس شماست و این قرآن هم همین‌طور است افسح کلمات است و کلام خداست.

(بیانات مقام معظم رهبری «مدظله العالی» در دیدار با قاریان - مورخ ۱۳۲۲/۰۱/۰۷)

من به برادرانی که اهل تلاوت قرآن‌اند، مکرر یادآور شده‌ام که شما نمی‌توانید خوب تلاوت بکنید، در حالی که نمی‌دانید کجا باید وصل کنید، کجا باید وقف کنید و کجا را مناسب است با چه لحنی بخوانید.

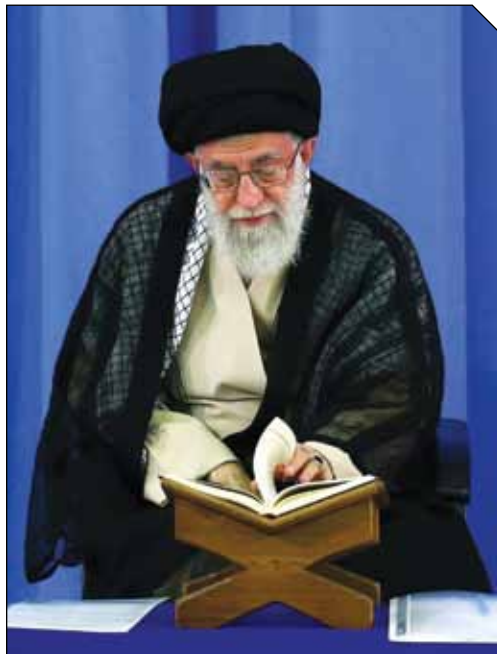
(بیانات معظم له در اختتامیه مسابقات بین‌المللی سال ۱۳۶۸)

قطع و وصل‌هایتان، همیشه به میزان نیست، (مثلاً) «فقال انما ربکم الاعلی»، «انا ربکم الاعلی» را باید طوری ادا کنید که کسی که می‌شنود بفهمد این حرف، حرف دروغی است. این، ممکن است. این، چیزی است که در نوارهای شیخ مصطفی اسماعیل شنیده می‌شود. اصلاً اهمیت کار شیخ مصطفی اسماعیل در همین است ... و این نمی‌شود مگر اینکه معنای قرآن را بدانید.

(دیدار قاریان با مقام معظم رهبری «مدظله العالی» - مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۲۹)

باید هر آیه‌ای که می‌خوانید آقایان ترجمه‌اش را بدانید، اینی که می‌بینید بعضی‌ها جایی که باید وصل کنند وصل نمی‌کنند و جایی که باید وقف کنند وقف نمی‌کنند، گاهی شروع آیه تلاوت از جایی است که اصلاً مناسب نیست که انسان گاهی که نشسته و گوش می‌کند متأذی می‌شود، این به خاطر این است که ترجمه را نمی‌دانند.

(بیانات مقام معظم رهبری «مدظله العالی» - مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۲۳)



وقف و ابتدا

این یک علم است در قرائت که کجا باید آیه را وصل کرد و کجا باید قطع کرد.

بعضی از برادرها هستند که وقتی قرآن می‌خوانند، قطع و وصل‌هایشان غلط است، نگویید فلان کس در مصر این چنین خوانده، مگر هر چه را هر کس خواند همان برای شما حجت می‌شود؟ ببینید آیه چیست و از همه راحت‌تر همین علائم وقفی است که قرآن‌های جدید گذاشته‌اند: الوصل اولی، الوقف اولی را به صورت «صلی» و «قلی» نوشته‌اند و کار را راحت‌تر کرده‌اند.

لااقل همین شکلی که در معمول قرآن‌ها مثل ج، ط، م گذاشته‌اند، این چیزها را رعایت کنید و معمولاً آیه را وصل نکنید. مگر در مواردی؛ چون خود آیه یک فصل است. اگر یک وقتی مسلط شدید به معانی قرآنی آن وقت البته به سلیقه و فهم خودتان می‌توانید خیلی کارها بکنید، اما وقتی هنوز مسلط به معنا نیستید این کار را نکنید، یکی هم فاصله‌هاست، می‌بینید که یک جمله‌ای را و یک عبارت از آیه کریمه‌ای را می‌خواندید





دکتر حمید رضامستفید

اشاره

وقف و ابتدا علمی است که آشنایی با آن مبتنی بر آشنایی با معانی و تفسیر آیات است، و بدون آشنایی با معانی و تفسیر آیات نمی‌توان در این علم پیشرفت کرد. علمای این فن در مورد انواع و اقسام وقف، اصطلاحات و نام‌های گوناگونی وضع کرده‌اند که در اینجا برخی از مشهورترین اصطلاحات آن شرح داده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: وقف، ابتدا، وقف تام، وقف کافی

اقسام وقف

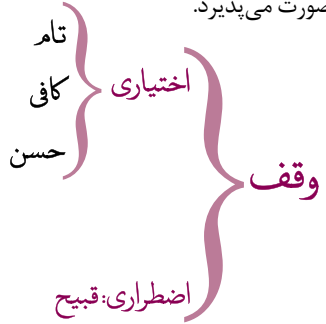
وقف یا اختیاری است یا اضطراری.

«وقف اختیاری» را در سه مورد می‌توان انجام داد:

۱. مطلب فی نفسه کامل و معنای قابل فهم و صحیحی داشته باشد و در ضمن هیچ تعلقی - نه از نظر لفظ و نه از نظر معنی - به بعد خود نداشته باشد (وقف تام).
۲. مطلب فی نفسه کامل و معنای قابل فهم و صحیحی داشته باشد ولی فقط از نظر معنی به بعد از خود تعلق و ارتباط داشته باشد (وقف کافی). در این مورد ارتباط لفظی وجود ندارد.
۳. مطلب فی نفسه کامل باشد و معنای قابل فهم و صحیحی داشته باشد ولی از نظر لفظی به بعد از خود تعلق و با آن ارتباط داشته باشد که طبعاً از نظر معنی نیز با بعد از خود مرتبط است (وقف حسن).

«وقف اضطراری» در موردی است که مطلب فی نفسه

کامل نباشد و معنای قابل فهم و یا صحیح نداشته باشد و برای کامل شدن به بعد از خود نیاز داشته باشد و یا معنا، کاملاً غلط باشد؛ هر چند فی نفسه کامل باشد (وقف قبیح).
توضیح: وقف اضطراری در مواردی از قبیل اتمام نفس، سرفه و ... صورت می‌پذیرد.



حکم اقسام چهارگانه وقف

۱. وقف در محل وقف تام، جایز است و ابتدا به بعد از آن صحیح است.
۲. وقف در محل وقف کافی، جایز است و ابتدا به بعد از آن صحیح است.
۳. وقف در محل وقف حسن، جایز است ولی ابتدا از بعد از آن صحیح نیست؛ مگر اینکه وقف حسن در آخر آیه باشد که از نظر بیشتر اهل فن، ابتدا از بعد از آن (یعنی آغاز آیه بعدی) جایز است.
۴. وقف در محل وقف قبیح، جایز نیست، مگر اضطراراً.

● وقف در «یخادعون الله و الذین آمنوا» و ابتدا از «و ما یخادعون الانفسهم».

● وقف در «و ما یخادعون الانفسهم» و ابتدا از «وما یشعرون».

● وقف در «انما نحن مصلحون» و ابتدا از «الا انهم هم المفسدون».

● وقف در «فی قلوبهم مرض» و ابتدا از «فزادهم الله مرضا». زیرا در تمام این مثال‌ها مطلب کاملاً مفهوم است و جمله بعد از محل وقف کلامی است که هر چند از نظر معنی به قبل خود مرتبط است، از نظر لفظی مستقل است و نیازی به جمله قبلی ندارد؛ یعنی مثلاً صفت کلمه پیش از خود، مضاف‌الیه کلمه پیش از خود، و یا بدل یا عطف کلمه پیش از خود نیست. وقف کافی نیز مثل تام، مراتبی دارد. لذا ممکن است دو اوقف کافی باشند ولی یکی از دیگری کافی تر (اکفی) باشد؛ مثل وقف در «فی قلوبهم مرض» که کافی است ولی در «فزادهم الله مرضا» اکفی است.

ج) وقف حسن

این وقف نیز هم در آخر آیه مصداق دارد و هم در وسط آیه. با این تفاوت که حکم وقف حسن در آخر آیه با حکم این وقف در وسط آیه متفاوت است، و همان‌طور که گذشت، بیشتر علمای فن وقف و ابتدا، شروع از مابعد وقف حسنی را که آخر آیه قرار دارد، جایز می‌دانند.

مثال برای وقف حسن آخر آیه:

● وقف در «رب العالمین» و ابتدا از «الرحمن الرحیم».

● وقف در «الرحمن الرحیم» و ابتدا از «مالک يوم الدين».

مثال برای وقف حسن وسط آیه:

● وقف در «بسم الله» و ابتدا از «الرحمن الرحیم» که جایز نیست.

● وقف در «الحمد لله» و ابتدا از «رب العالمین» که جایز نیست.

● وقف در «انعمت علیهم» و ابتدا از «غیر المغضوب علیهم» که جایز نیست.

در این مورد نیز می‌توان مانند وقف‌های اتم و اکفی، وقف «أحسن» را فرض کرد.

د) وقف قبیح

وقف قبیح در مواردی است که:

الف) معنی کامل و مفهوم نباشد، مثل: «بسم، صراط الذین، و ... قل لو كان البحر مدادا لكلمات ربي ...» (سوره كهف).

ب) معنی غلط و ناصحیح باشد؛ هر چند که کامل باشد،

ابتدا به بعد از آن نیز صحیح نیست، مگر اضطراراً؛ به جز موردی که وقف قبیح در آخر آیه باشد که در این مورد اختلاف نظر وجود دارد. بعضی، مثل ابن‌الجزری، حتی در این مورد نیز آن را جایز نمی‌دانند، مگر اضطراراً؛ مثل «فویل للمصلین» (در سوره ماعون).

مثال‌هایی برای اقسام چهارگانه وقف^۱

الف) وقف تام

این وقف در جایی که مطلب تام و تمام باشد، مانند انتهای قصه‌ها، به کار می‌رود؛ اعم از اینکه:

۱. در پایان آیات باشد، مثل:

● وقف در «بسم الله الرحمن الرحیم» و ابتدا از «الحمد لله رب العالمین».

● وقف در «مالک يوم الدين» و ابتدا از «ایاک نعبد و ایاک نستعین».

● وقف در «اولئک هم المفلحون» و ابتدا از «ان الذین کفروا».

۲. در وسط آیه و قبل از انتهای آیه باشد، مثل:

● «و جعلوا اعزّه اهلها اذله» (سوره نمل) که پایان نقل کلام بلقیس است، و ابتدا از «و کذلک یفعلون» که شروع کلام خداوند است (بنا بر یک تفسیر).

● «لقد اضلّنی عن الذکر بعد اذ جاءنی» (سوره فرقان) که انتهای کلام شخص گنهگار است و ابتدا از «و کان الشیطان للانسان خذولاً» که گفته خداوند است.

۳. یک کلمه بعد از اتمام آیه باشد، مثل:

● «و انکم لتمرون علیهم مصبحین» (سوره صافات) که آخر آیه است ولی مطلب نامتام است و تمام مطلب در کلمه اول از آیه بعدی است، یعنی «و باللیل»، که وقف بر «مصبحین» حسن و در «باللیل» تام است.

● «و سرراً علیها یتکتئون» (سوره زخرف) که آخر آن است و «و زخرفاً» که تمام مطلب و ابتدای آیه بعدی است.

در پایان قصه‌ها مثل سوره شعراء، بعد از اتمام هر یک از داستان‌های انبیا و نیز بعد از «و ان ربک لهو العزیز الرحیم» که چند بار تکرار شده است، و گاه، در مقایسه دو وقف که هر دو تام هستند، یکی را از دیگری تام‌تر (اتم) خواهیم دید؛ مثل «مالک يوم الدين» و «ایاک نستعین» که اولی از دومی اتم است.

ب) وقف کافی

این وقف نیز هم در اواخر آیات و هم در اواسط آیات مصداق دارد، مثل:

● وقف در «مما رزقناهم ینفقون» و ابتدا از «والذین یؤمنون».

● وقف در «من قبلک» و ابتدا از «و بالاخره آ».

● وقف در «علی هدی من ربهم» و ابتدا از «و اولئک».

مثل:

- «نما يستجيب الذين يسمعون و الموتى» (انعام/ ۳۶).
 - «ان الله لا يستحيى» (سورة بقره).
 - «فويل للمصلين» (سورة ماعون، بنابر قول بعضی مثل ابن‌الجزری).
- در این مورد نیز می‌توان وقف «قبیح» را فرض کرد؛ مثل وقف دسته «ب» نسبت به دسته «الف».

چنانچه بر کلمه «قوماً» وقف کنیم، وقف قبیح صورت گرفته است. در مورد دوم، وقف بر کلمه «زکوة» قبیح نیست ولی شروع بلافاصله از «یخافون» صحیح نیست، مگر اضطراراً و به‌خاطر طولانی بودن آیه از باب وقف مرخص (که در مطلب بعد اشاره خواهد شد).

وقف مرخص

در آیات طولانی و جمله‌های معترضه و امثال آن و در حال قرائت به تحقیق، می‌توان در بعضی از موارد از بعد از وقف حسن ابتدا کرد و نیازی به بازگشت به ما قبل نیست. چنین وقف‌هایی - طبق اصطلاح سجاوندی که ابن‌الجزری نیز آن را پذیرفته است^۴ - وقف «مرخص ضروره» نامیده می‌شوند. این نوع وقف در واقع ابتدای مرخص است ولی در اصطلاح وقف مرخص گفته می‌شود. منظور از مرخص این است که این وقف (یا بهتر بگوییم این ابتدا) پسندیده نیست ولی به‌علت طولانی بودن آیه و عدم امکان بازگشت به قبل، رخصت و اجازه داده می‌شود که از محل بعد از وقف، تلاوت مجدداً آغاز شود.

از جمله مثال‌های خوبی که برای وقف مرخص می‌توان ذکر کرد، آیه ۱۷۷ سوره بقره است که وقف در «المغرب»، «النبیین»، «الزکاة» و «عاهدوا»، طبق تصریح ابن‌الجزری، وقف مرخص است. علامت این وقف معمولاً «ص» است. و نیز شاید از جمله موارد این وقف (که در قرآن مصادیق زیادی

ارتباط علائم مشهور وقف با اقسام چهارگانه وقف

علائم «قلی»، «صلی»، «ج»، «لا»، «م»، ارتباط مستقیمی با اقسام چهارگانه ذکر شده ندارند. این علامت‌ها، اوایل قرن ۱۴ هجری قمری در مصر پیشنهاد شدند و مورد عمل قرار گرفتند و به هیچ‌وجه ناظر بر اقسام چهارگانه وقف نیستند؛ هر چند بعضی سعی داشته‌اند یا دارند که این علائم را به‌نحوی با اقسام چهارگانه مرتبط سازند و مثلاً اصرار می‌ورزند که «قلی» علامت وقف تام است و «صلی» وقف کافی و ... و حال آنکه با مختصر دقتی در مواضع این علائم به‌راحتی در می‌یابیم که واضعین این علائم، تقسیم چهارگانه معروف را مدنظر قرار نداده‌اند.

برای مثال، علامت «م» هم برای وقف تام به‌کار رفته است و هم برای وقف کافی و حتی برای وقف حسن^۲:

- مثال وقف تام که علامت «م» دارد: «و لا یحزنک قولهم^۵ ان العزة لله جميعاً» (یونس/ ۶۵).
- مثال وقف کافی که علامت «م» دارد: «زین للذین کفروا الحیة الدنيا و یسخرن من الذین امنوا^۶ و الذین اتقوا فوقعهم یوم القیامة» (بقره/ ۲۱۳).
- مثال وقف حسن که علامت «م» دارد (در مصاحفی که علائم سجاوندی دارد): «الم تر الی الملا من بنی اسرائیل من بعد موسی^۷ اذ قالوا لنبی لهم..» (بقره/ ۲۴۶).

توضیحی در مورد علامت «لا»

۱. این علامت گاهی به معنی «لا تقف علی ما قبله» و نشانه وقف قبیح است؛ مثل: «و اذ قالت امه منهم لم تعظون قوماً لاله مهلكهم» (اعراف/ ۱۶۴).
۲. گاهی به معنای «لا تبدأ بما بعده» و نشانه وقف

حسن است، مثل: «رجال لاتلهیهم تجارة و لا بیع عن ذکر الله و اقام الصلوة و ایتاء الزکوة^۸ یخافون یوماً تتقلب فیه القلوب و الابصار» (نور/ ۳۷).

توضیح: در مورد اول،



دارد) بتوان آیه ۱۳ سوره شوری را مثال زد که در بعضی مصاحف روی کلمه «عیسی» علامت «صلی» گذاشته شده است.

وقف برای بیان معنای مقصود

از جمله موارد وقف، که بسیار پسندیده محسوب می‌شود، مواردی است که اگر وقف نشود، معنایی خلاف مقصود را به ذهن مخاطب القا می‌کند و لذا بهتر است که در آنجا وقف صورت گیرد. در واقع، وقف لازم زیر مجموعه و مصداقی است از این نوع وقف. از جمله این موارد که حتی بعضی از علما - طبق نقل ابن‌الجزری - آن را وقف لازم نیز دانسته‌اند؛ آیه ۹ سوره فتح روی کلمه «توقروه» است، تا این توهم پیش نیاید که ضمیر «تسبحوه» همان ضمیر در «تعزروه و توقروه» است؛ در حالی که ضمیر در «تسبحوه» به «الله» و در دو فعل دیگر به رسول اکرم «ص» برمی‌گردد. از دیگر آیاتی که می‌توان قسمت‌هایی از آن را مصداقی از وقف مرخص دانست، آیه ۳۵ سوره نور است. به این ترتیب که در کلمه «درّی» وقف و از کلمه «یوقد» ابتدا کنیم. چون اگر «درّی» را به «یوقد» وصل کنیم، ممکن است این ایهام ایجاد شود که «کوکب درّی» از درخت مبارک زیتون روشنائی می‌گیرد. در حالی که ظاهراً منظور این است که «مصباح» از روغن درخت مبارک زیتون روشن می‌شود و به اصطلاح، ضمیر «یوقد» به «مصباح» بر می‌گردد، نه به «کوکب درّی».

وقف در رؤوس آیات

علما - اعم از شیعه و سنی - وقف در رؤوس آیات را نیکو و جایز شمرده‌اند، به‌جز در موارد وقف قبیح؛ مثل «فویل للمصلین» که در مورد آن اختلاف نظر وجود دارد (برای مثال، ابن‌الجزری آن را جایز ندانسته است). نکته‌ای که در اینجا شایسته است بدان توجه شود، مسئله محل انتهای آیه است. در علوم قرآنی، علمی هست که با توجه به روایات و اقوال علمای سلف (اعم از صحابه یا تابعین) متکفل بیان انتهای آیات است و این علم به نام «علم الفواصل» نامیده می‌شود. فواصل جمع فاصله، و منظور از فاصله آخر آیه است.

در علم فواصل هفت روش برای بیان محل آخر آیه ذکر کرده‌اند:

- | | | |
|---|-----------|----------------------------------|
| } | مدنی اول | ۱. روش اهل کوفه: عَدَّ کوفی |
| | مدنی اخیر | ۲ و ۳. روش اهل مدینه: عَدَّ مدنی |
| | | ۴. روش اهل مکه: عَدَّ مکی |
| | | ۵. روش اهل بصر: عَدَّ بصری |
| | | |

۶. روش اهل دمشق: عَدَّ دمشقی

۷. روش اهل حمص: عَدَّ حمصی

لذا در وقف بر رؤوس آیات، قاری باید «عَدَّ» را مدنظر داشته باشد. مثلاً آیه ۲۱۹ سوره بقره - در عَدَّ کوفی - به «لعلکم تتفکرون» ختم می‌شود، و چون رأس الایه است، وقف در آن جایز است و ابتدا از «فی الدنيا و الاخرة» - هر چند فی نفسه قبیح است - از آنجا که ابتدای آیه بعدی است، جایز محسوب می‌شود (به شرط وقف در «آخرة» و عدم وصل به «و یستلونک»). ولی در عَدَّ مدنی اول، «تتفکرون» رأس الایه نیست، و لذا وقف بر آن «حسن» ولی ابتدا به ما بعد آن جایز نیست.

از موارد دیگر که مصداقی برای این قاعده دانسته می‌شود، ابتدای سوره شوری است که حروف مقطعه آن جدا نوشته شده است («حم» و «عسق» و «بعضی از علما گفته‌اند، جایز نیست که روی «حم» وقف کرد و از «عسق» ابتدا نمود. زیرا این دو، در حکم یک کلمه هستند). این مطلب در تمامی عدها به‌جز عَدَّ کوفی و حمصی قابل قبول است. به عبارت دیگر، در عَدَّ کوفی و حمصی که هر یک از دو بخش این حروف، یک آیه تلقی شده‌اند، می‌توان گفت: وقف بر «حم» نیز جایز شمرده می‌شود؛ چون رأس آیه است (هر چند نگارنده تصریحی در این باره ندیده است).

در پایان ذکر این نکته اساسی ضرورت دارد که گاهی در شیوه برخی قرا و حتی قاریان مصری مشاهده می‌کنیم که بدون هیچ توجیه صحیح علمی بر سر کلمه‌ای وقف می‌کنند و با برگشت به چند کلمه قبل، به تصور اتصال عبارات به یکدیگر، ابتدا می‌کنند. به اصطلاح مضمون آیه را تکه و پاره می‌نمایند که این شیوه به هیچ‌وجه قابل توجیه نیست. برای مثال، در آیه ۲۲ سوره بقره ممکن است قاری بعد از اتمام نفس بر کلمه «بناءً» وقف کند که در این صورت یا باید دوباره به ابتدای آیه برگردد و ابتدا کند و یا از باب وقف مرخص (یا بهتر بگوییم ابتدای مرخص) از «و انزل» ابتدا کند. چنانچه از «و السماء بنا» شروع کند، در واقع یک تکه از جمله قبلی را به ابتدای جمله بعد وصل کرده است که اصلاً صحیح نیست.

پی‌نوشت‌ها

۱. مطالب این بخش، خلاصه و چکیده‌ای است از کتاب «النشر فی القراءات العشر»، تصحیح علی محمد ضیاع، بخش الوقوف و الاابتدا، ج ۱، ص ۲۳۰-۲۲۴.

۲. هر چند ممکن است در مسابقات، این مثال‌ها را مثال وقف حسن بدانند!

۳. النشر فی القراءات العشر، تصحیح علی محمد ضیاع، ج ۱، ص ۲۲۳-۲۲۲.

۴. النشر فی القراءات العشر، تصحیح علی محمد ضیاع، ج ۱، ص ۲۲۶.

۵. النشر فی القراءات العشر، تصحیح علی محمد ضیاع، ج ۱، ص ۲۲۳.

۶. البذور الزهراء، ص ۲۸۵.

